

ضرورت تشکیل صندوق‌های اعتصاب

سرمایه‌داری نظامی اجتماعی است که در آن اقلیت (سرمایه‌داران) همواره در رفاه هستند، و اکثریت توده‌ی مردم متشکل از میلیون‌ها کارگر مال و اندوخته‌ای ندارند و یا اگر دارند بسیار اندک است. کارگران تنها با کار روزانه‌ی خود می‌توانند به زندگی ادامه دهند. سرمایه‌داری نظامی است که هر ابزاری که می‌توان با آن کار کرد و نانی به دست آورد، تنها در مالکیت سرمایه‌داران است. سرمایه‌داران، کارگران را استخدام می‌کنند تا برایشان کار کنند. با کار کارگران سودهای عظیمی نصیب سرمایه‌دار می‌شود و نان شی‌هم نصیب کارگران.

کارفرما می‌کوشد که هر چه کمتر به کارگر پرداخت کند تا سود بیشتری به جیب بزند. در مقابل، کارگران که تولیدکننده‌ی ثروت جامعه‌اند تلاش می‌کنند که دستمزدشان بیشتر شود تا بتوانند غذا و رفاه بیشتری برای خود و خانواده تامین کنند و رفاه نسبی به دست بیاورند تا زندگی حداقلی و در شأن یک انسان داشته باشند.

این نبرد مداوم بر سر دستمزد و شرایط کار، کارگران و کارفرمایان‌شان را همیشه در مقابل هم قرار می‌دهد. به اندازه‌ی سطح فشار کارفرما به کارگران و از طرفی میزان اتحاد کارگران با هم به شکل‌های گوناگون در محیط کار اتفاق می‌افتد. یکی از این شکل‌ها اعتصاب است. ما به مسئله‌ی اعتصاب و چند و چون آن در این نوشته نمی‌پردازیم. آنچه در این جا موضوع بحث ماست مسئله‌ای است که در این سال‌ها به وضوح اعتصابات کارگران را تحت تأثیر خود قرار داده است و به راحتی می‌تواند باعث شکستن آن شود. مشکلی که تقریباً تمامی کارگران اعتصابی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. بله! مشکل مالی کارگران در زمان اعتصاب.

کارگر تقریباً هیچ منبع درآمدی به جز دستمزد کارش ندارد. وقتی کارگران یک مجموعه اعتصاب می‌کنند، در زمان اعتصاب به آن‌ها دستمزد نمی‌دهند. قطعاً کارگر و خانواده‌اش با مشکل مواجه می‌شوند و ادامه‌ی روند مبارزه و اعتصاب برای کارگر سخت می‌شود. خوب متوجه هستیم که در رویارویی اتحاد کارگران با اتحاد کارفرمایی (مدیریت کارفرمایی، دستگاه حراستی و پلیس، به همراه نهادهای دولتی) به طور مثال در قامت یک اعتصاب، مشکلات مالی کارگران و این که اتحاد کارگران نسبت به اتحاد کارفرمایی آسیب‌پذیرتر است، شرایط را سخت‌تر می‌کند. سرمایه‌دار هم که شرایط زندگی و نداری کارگر را می‌داند تمام تلاشش را می‌کند که شرایط را برای آن‌ها سخت‌تر کند تا به آن‌ها بفهماند اعتصابشان بی‌فایده است. این را هم می‌داند که کارگر خیلی نمی‌تواند در اعتصاب بماند.

حال کارگری که غالباً پس اندازی ندارد و از تمامی مزایای کار اعم از دستمزد و مساعده و امکان خرید شرایطی از فروشگاه‌ها، محروم است چطور می‌تواند زمان اعتصاب را دوام بیاورد و مجبور به بازگشت به کار زود هنگام (و در واقع شکسته شدن اعتصاب) نشود؟

اگر شرایط مالی و زیستی بخش فقیرتر کارگران از جمله کارگران زحمتکش غیرماهر (کارگر ساده) و همچنین وضعیت خانواده‌های کارگری توسط گروه رهبری اعتصاب یا اتحادیه‌شان در نظر گرفته نشود و از قبل چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود، خود عاملی خواهد شد برای متفرق شدن صف متحد کارگران اعتصابی و ناکام ماندن اعتصاب. عدم دوراندیشی و چاره‌اندیشی در این باره از عوامل مهم خدشه‌دار شدن مبارزه‌ی طبقاتی خواهد شد.

از ضروریات یک اقدام متحد و فعالیت اتحادیه‌ای جهت پیش برد مبارزه در راستای منافع طبقاتی، دادن ترتیبی برای تشکیل صندوق کارگران است. این صندوق می‌باید توسط خود کارگران آن حوزه شکل بگیرد و با حاصل دسترنج خود آنان تأمین شود. هر کارگری از اتحادیه یا محیط کار مشخص، حق عضویت ماهانه‌اش را به صندوق پرداخت می‌کند تا برای وضعیت‌های اضطراری کارگران به مصرف برسد و بهتر بتوانند بر مشکلات پیش‌روی‌شان فایز بیابند و امکانی برای رشدشان باشد. در جایی که اتحادیه‌ی کارگری وجود ندارد این کار خود می‌تواند مبنایی برای فعالیت اتحادیه به حساب آید.

برش‌هایی از تاریخ مبارزاتی طبقه‌ی کارگر

تقریباً از ابتدای پیدایش نظام سرمایه‌داری کارگران ابتدا به طور غریزی و بعدتر در قامت یک عمل جمعی آگاهانه برای تغییر شرایط سخت زندگی‌شان دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند.

در قرن شانزدهم و مراحل آغازین شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر [در اروپا] اصلی‌ترین تشکل کارگران، «انجمن‌های مخفی شاگردان» بود که عنوان‌های مختلفی داشت از جمله «انجمن‌های اخوت». اعضای این انجمن‌ها شاگردان، دستیاران، و گروهی از کارگران کارگاه‌ها بود. این انجمن‌ها حامی منافی مانند کاهش ساعات کار، مقابله با بیکاری و سطح پایین دستمزد بودند. همچنین در پیدا کردن کار به اعضای خود کمک می‌کردند. چنان‌چه یکی از اعضا دچار بیماری، بیکاری، کهولت، سوانح حین کار و یا مرگ می‌شد از فرد و یا خانواده اش حمایت مالی می‌کردند.

به جز این شکل، «انجمن‌های کمک متقابل» و مقاومت در برابر کارفرما نیز تشکلات کارگری بودند که نطفه‌های آغازین اتحادیه‌ها تقریباً در تمامی کشورهای سرمایه‌داری را شکل دادند. کلوب‌هایی که در آغاز همان قهوه‌خانه‌هایی بودند که پاتوق کارگران محسوب می‌شد. هر کارفرمایی که در جستجوی کارگر بود به سراغ این پاتوق‌ها می‌رفت. کارگرانی که در این پاتوق‌ها رفت و آمد می‌کردند با هم آشنا می‌شدند و با هم ارتباط می‌گرفتند. این پاتوق‌ها مرکز «مبادله‌ی کار» بود. در آن‌جا از اخبار کارگری و مسائل مربوط به دستمزدها و اخراج‌ها و استخدام‌ها و اقدامات مشترک علیه کارفرما صحبت می‌شد. در این کلوب‌ها برای افراد نیازمند کمک جمع‌آوری می‌شد. در «انجمن‌های دوستانه» - که باز از نطفه‌های تشکیل اتحادیه بود - کارگران عضو این انجمن‌ها به واسطه‌ی حق عضویتی که پرداخت می‌کردند، در شرایط بیماری و کهولت و غیره کمک مالی دریافت می‌کردند. از آن‌جا که حق عضویت‌ها در صندوق نگهداری می‌شد به آن‌ها «کلوب‌های صندوق» می‌گفتند. این صندوق‌ها کم‌کم از حالت صرفاً خیریه‌ای و کمک متقابل بیرون آمده و به منظور کمک مالی به کارگران اعتصابی مورد استفاده قرار گرفت. جالب است بدانیم از درون همین کلوب‌های کمک متقابل و کلوب‌های صندوق بود که اولین اتحادیه‌های کارگری در انگلیس به وجود آمد.

آن‌چه گفتیم تجربه‌های کارگران انگلیسی بود. البته در آلمان، فرانسه، آمریکا و سایر کشورها نیز کارگران در راه تشکیل اتحادیه‌های خود چنین تجربیاتی داشتند. تجربیاتی که نشان از تأثیر کمک‌های متقابل مالی کارگران به یکدیگر در پیش‌برد اتحاد و مبارزات آنان دارد. همان‌طور که در این گزیده تجربیات می‌بینیم قبل از تشکیل اتحادیه‌ها و حتی با وجود عدم رشد صنعت و رشد مبارزات طبقاتی کارگران حمایت‌های مالی کارگران از هم عاملی برای اتحاد و جلو بردن مطالباتشان بوده است.

در دوره‌ی پیش از انقلاب صنعتی [در اروپا] و بعد از آن به علت رشد کارخانه‌ها و صنعت، برای تولید به تعداد کمتری کارگر نیاز بود. در واقع برای نمونه اگر در صنعت تولید پارچه قبلاً صد نفر کارگر لازم بود تا ماشین‌های بزرگ به راه افتند و بتوانند روزی سیصد متر پارچه تولید کنند، حالا با تکنولوژی و دستگاه‌های جدید تولید همان مقدار پارچه نیازمند پنجاه نفر کارگر بود؛ پس پنجاه نفر باقی‌مانده از کار بیکار می‌شوند. کارگران به همین دلیل که گویی ماشین‌آلات جدید تولید جای تعدادی از آنان را گرفته است، فکر می‌کردند که دشمن اصلی‌شان ماشین‌های صنعتی است و دست به ابزارشکنی و مبارزه علیه ماشین‌های صنعتی می‌زدند. آن‌ها را می‌شکستند و کارگاه و کارخانه‌ها را به آتش می‌کشیدند. در این بازه‌ی زمانی همین کارگران شورشی به شکل سازمان‌یافته عمل می‌کردند و این جنبش در بین کارگران طرفداران زیادی داشت. در همین بازه هم تلاش‌هایی صورت می‌گرفت که پول حمایت از کارگران در حال مبارزه را از میان کارگران حرفه‌های دیگر تأمین کند تا آن‌ها بتوانند راه‌شان را ادامه دهند.

مبارزات رفته‌رفته شکلی آگاهانه‌تر به خود گرفت و کارگران دریافتند که دشمن اصلی آنان نه ماشین‌آلات، بلکه صاحبان این ماشین‌ها، یعنی سرمایه‌داران هستند. شکل عمده‌ی بعدی در مبارزات کارگران، اعتصاب بود. در سال‌های ۱۹۰۰ یکی از مهم‌ترین این‌ها، اعتصاب کارگران نساجی در آلمان بود که پنج ماه به طول انجامید. زنان کارگر نقش اصلی را در این اعتصاب داشتند. مطالبه‌ی آنها کاهش ساعت کار و ۱۰ درصد افزایش دستمزد بود. از علل مهم دوام آوردن کارگران در دوران اعتصاب کمک مالی و جمع‌آوری پول از کارگران بخش‌های مختلف بود.

این که تأمین معاش کارگران در دوران اعتصاب حاصل کمک‌های هم‌طبقه‌ای‌های خودشان باشد، گامی است به سوی شکل‌گیری اتحادی قدرتمند و یکدلی بیشتر میان آنان. در این مسیر کارگران می‌آموزند که جز خودشان فریادرسی ندارند؛ و مهم‌تر آن که اگر بازوهایشان را به هم گره بزنند از پس هر کاری بر خواهند آمد. راه مبارزه فراز و نشیب‌های بسیاری دارد، اما چه چیز می‌تواند قدرتمندتر از اتحاد و رزمندگی کارگرانی باشد که تمامی ثروت جامعه را خلق می‌کنند؟ نباید بگذاریم در سختی‌ها و نشیب‌های مبارزه، هم‌طبقه‌ای‌هایمان تنها بمانند و تنگدستی مقاومت‌شان را سست کند. پیش از اعتصاب می‌باید به تمام این‌ها فکر کنیم و توشه‌ی راهمان را آماده کنیم.

این توشه در درجه‌ی اول باید توسط خود کارگران اعتصابی تأمین شود، چنان که گفتیم مثلاً با اندوخته‌ی هر چند ناچیزی که ماه به ماه توسط تک‌تک افراد در صندوق جمع می‌شود. اندوخته‌ی این صندوق برای تأمین مایحتاج اولیه‌ی زندگی در زمان اعتصاب خرج می‌شود و یا برای مشکلات خاصی که گریبان‌گیر یکی از کارگران و خانواده‌اش می‌شود. و البته تصمیم درباره‌ی تمامی این‌ها را گروه، هیئت یا اتحادیه‌ای در دست دارد که مورد اعتماد تمامی کارگران است و از تلاش و مبارزه در راه رسیدن به هدف لحظه‌ای چشم نمی‌پوشد. اگر نیاز افتاد، می‌توانیم از هم‌طبقه‌ای‌های خود در کارخانه‌ها و بخش‌های دیگر نیز کمک بگیریم. اما هر چیزی و هر کمکی غیر از این، صف ما را در هم می‌شکند حتی اگر هدف خیری داشته باشد. ما کارگران نیازی به صدقه‌ی این خیرین نداریم، بلکه می‌خواهیم حق خود را، حاصل عرق ریختن خود را، سهم خود از ثروتی که خلق می‌کنیم را بگیریم.

چند تجربه از مبارزات طبقه‌ی کارگر ایران

کارگران در ایران هم تجربه‌هایی در این زمینه داشته‌اند. قصد ما بررسی تاریخی این بخش از مبارزات طبقه کارگر نیست، چرا که این بررسی بسیار مفصل خواهد بود. اما به نمونه‌ای شاخص در تاریخ مبارزاتی طبقه‌ی کارگر ایران می‌پردازیم که اهمیت صندوق و نقضانی را که نبودنش به وجود می‌آورد نشان دهیم. تجربه‌ی اعتصاب کارگران شرکت نفت در سال ۵۷.

در بحبوحه‌ی اعتصابات گسترده‌ی کارگران شرکت نفت، حساب مالی سندیکای کارگران نفت بسته شد. نیاز مالی و از طرفی عدم حساسیت رهبران اتحادیه به استقلال مالی اتحادیه‌ی کارگران، موجب شد که این اعتصابات از سمت تجار بزرگ بازار مورد حمایت مالی قرار بگیرد و به این واسطه یکی از افراد کمیته‌ی بازار (آقای عراقی که بعدها مسئول روزنامه کیهان و ترورها شد) در کمیته‌ی مخفی اعتصاب راه یابد. به واسطه‌ی کمک مالی زیادی که از سمت بازار به کارگران می‌شد، بازاریان توانستند بخش مهمی از اعتراضات کارگری آن دوران را به خود وابسته کنند و پرچم خودشان را در میان جنبش کارگران بزنند. و عملاً مبارزه کارگران را در جهت اهداف خود به پیش برند.

در سال‌های اخیر نیز تلاش‌هایی در این زمینه شده است. در سال ۸۸ هیئت مدیره‌ی دستگیر شده‌ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با اعلام شماره حساسی از کارگران درخواست کمک کردند. هر چند عملاً مقامات امنیتی حساب را مسدود کردند ولی اصل قضیه که درخواست کمک از هم‌طبقه‌ای‌ها بود، گامی رو به جلو به شمار می‌آید. واقعیت این است که بخش‌های زیادی از کارگران هنوز به ضرورت دفاع از همکاران زندانی‌شان و حمایت مالی از خانواده‌های آنان نرسیده بودند. در همین زمان کمک‌های مالی از منابع غیر کارگری درون

سندیکای هفت تپه نیز اختلافاتی به وجود آورد که بررسی آن در کنار دیگر عوامل در حیطه‌ی این مقاله نیست. اما این نکته را نباید فراموش کنیم که بحث صندوق‌های اعتصاب اگر به شکل درست پیگیری نشود، می‌تواند به جای پیش برد امر مبارزه به مانعی در برابر آن تبدیل شود. هم‌چنین طی مبارزات اخیر معلمان نیز صندوقی به منظور حمایت از معلمان اخراجی و یا زندانی و خانواده‌های آنان شکل گرفته است که به درستی یکی از اصول آن این است که کمک‌ها تنها از بین همکاران آنان جمع‌آوری می‌شود. همین امر به استوار ماندن افراد زمانی که با مشکلات روبه‌رو می‌شوند کمک فراوانی کرده است.

جمع‌بندی

برای تشکیل صندوق‌های اعتصاب در بین کارگران، الگوهای مختلفی می‌توان متصور بود که در نوشته‌ی دیگری به این امکان‌ها پرداخته می‌شود. ولی با توجه به شرایط حال حاضر مبارزه‌ی کارگران ایران، کارگران در حوزه‌های کاری خود می‌باید به هر صورتی که هست دست به کار تشکیل این صندوق‌ها شوند. این کار را خود کارگران باید شروع و به سرانجام برسانند. در هر صورت تشکیل چنین صندوق‌هایی برای پیشبرد مبارزه و عقب نشستن در مقابل هجوم بی‌رحمانه‌ی کارفرماها و سرمایه‌داران ضروری است و نباید کارگران تصور کنند که بعد از ایجاد شکل مستقل خود (اتحادیه، سندیکا یا هر نام دیگری که بر آن می‌گذارند) می‌توانند و باید به سراغ ایجاد یک صندوق بروند؛ چرا که در نظر گرفتن چنین تدابیری و تشکیل چنین صندوق‌هایی، خود زمینه‌ساز و پایه‌ی اولیه‌ی رفتن کارگران به سمت ایجاد سندیکاهای محیط کار (تشکل‌های مستقل) می‌باشد.

در نظر نگرفتن چنین مسائلی، عواقبی شبیه تجربه‌ی کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در مبارزات اخیر خود (کمپین ۱۴۰۰) خواهد داشت. طی این کمپین بخش زیادی از کارگران مبارز به خاطر شرایط بد مالی برای تأمین معاش خود مجبور به انجام کارهای روزمزد در زمان اعتصاب و در نهایت بازگشت زود هنگام به محیط‌های کار شدند. آنها فشارهای زیادی را در زمان اعتصاب متحمل شدند که خود نیازمند تحلیلی همه‌جانبه و جداگانه است.

باید و نباید‌های مطرح شده در این زمینه قواعدی غیرقابل تغییر نیستند، بلکه خود حاصل سال‌ها تجربه‌ی تاریخی مبارزات کارگران بوده است. پس یک اعتصاب برای موفقیت باید به شیوه‌ای مناسب، در زمان مناسب و با پیش‌آگاهی مناسب (آمادگی از قبل) سازمان یابد. ضرورت چاره‌اندیشی برای مشکلات معیشتی کارگر و خانواده‌اش در زمان اعتصاب و ترفندها و سنگ‌اندازی‌ها و محرومیت‌های تحمیل شده از سمت کارفرما به این معنی نخواهد بود که کارگران می‌توانند هر دستی را که به سوی آن‌ها دراز می‌شود به گرمی بفشارند. در دنیای امروز که یکسره مطابق با امیال سرمایه‌داران نظم گرفته است، انواع مختلفی از جریان‌ها و گروه‌ها و نهادها وجود دارند که در زمان اعتصاب به سمت محیط کارگری سرازیر شده و با هدف در دست گرفتن اعتصاب و انحراف آن در جهتی به غیر از منافع طبقه کارگر دست به حمایت مالی و رسانه‌ای از اعتصاب می‌زنند.

با توجه به شرایط حال حاضر طبقه‌ی کارگر ایران و این که عموماً تشکل‌های مستقل خود را هنوز شکل نداده‌اند، عدم تشکیل صندوق‌های اعتصاب و همچنین دریافت کمک از منابع غیر کارگری، و در کل بیرون از محیط کار، خود می‌تواند مانع مهمی در ایجاد اتحاد و تشکل‌یابی کارگران آن محیط کار باشد. امروز برای اعتصاب‌های قوی‌تر، نیاز به ترتیباتی برای ایجاد یک صندوق اعتصاب در بین کارگران هر محیط کاری وجود دارد.